عکس / gettyimages

بررسی تأثیرات ۷ اکتبر بر ژئوپلیتیک خاورمیانه و نظام بین‌الملل در گفت‌وگوی «فارن پالیسی» با استفن والت

جهان آنارشیک‌تر شد

ریشه ۷ اکتبر درگیری حل نشده میان خواست فلسطینی‌ها برای داشتن کشور و مخالفت اسرائیل است

تحلیل

خاورمیانه

پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، زنجیره‌ای از اتفاقات وحشتناک خونین و طولانی در طول ۲۴ ماه اتفاق افتاد. در جریان حملات هوایی و تهاجم زمینی اسرائیل، بیش از ۶۵ هزار فلسطینی در غزه شهید شده‌اند. کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد اعلام کرده که اسرائیل در حال ارتکاب نسل‌کشی است، برآوردها حاکی از آن است که بیش از ۹۰ درصد خانه‌ها در غزه آسیب دیده یا ویران شده‌اند و حتی کارشناسان امنیت غذایی سازمان ملل متحد گفته‌اند شهر غزه با قحطی مواجه شده است. علاوه بر این، حادثه ۷ اکتبر اثراتی بسیار فراتر از غزه به همراه داشت. اسرائیل جنگی را با ایران شروع کرد که ایالات متحده مستقیماً در آن درگیر شد. علاوه بر این، اسرائیل در لبنان، سوریه، یمن و حتی قطر نیز حملات هوایی انجام داد که بسیاری از کارشناسان را به این سؤال سوق داد که آیا قوانین بین‌المللی اعمال می‌شوند یا خیر و فراتر از همه اینها، یک قطب‌بندی عمیق جهانی بر سر این موضوع وجود دارد که جوامع و کشورها بر سر همین حقایق بشدت اختلاف‌نظر دارند.

فارن پالیسی در گفت‌وگو با استفن والت، استاد دانشگاه هاروارد، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل و نویسنده کتاب «لابی اسرائیل در آمریکا» به همراه جان مرشایمر در سال ۲۰۰۷، به بررسی تغییرات جهان پس از ۷ اکتبر پرداخته است. به عقیده والت، اتفاقات پس از ۷ اکتبر، جهان را شگفت‌زده کرد. کسی نمی‌توانست طیف کامل رویدادهایی را که از آن روز سرنوشت‌ساز رخ داده یا اینکه برخی از رویدادها چقدر گسترده بوده‌اند، پیش‌بینی کند. ما شاهد یک تغییر واقعی در منطقه از برخی جهات اساسی و همچنین نحوه نگاه سایر نقاط جهان به‌ویژه بسیاری از بخش‌های جنوب جهانی به خاورمیانه بوده‌ایم. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا، در مقاله خود در فارن افرز، که چند روز قبل از ۷ اکتبر منتشر شد، گفت که خاورمیانه «آرام‌تر از دهه‌های گذشته است». این ممکن است در روزی که منتشر شد درست باشد، اما آنچه را که واقعاً در لایه‌های زیرین در حال وقوع بود، پنهان می‌کرد. کسی نمی‌تواند استدلال کند که خاورمیانه امروز آرام‌تر از آن زمان است. والت در این گفت‌وگو با راوی آگراوال با اشاره به تغییرات تحول‌آفرین معتقد است که طی دو سال اخیر، تغییری اساسی در قدرت نسبی تعدادی از بازیگران به وجود آمد که مدتی در آن منطقه بازیگر بوده‌اند. این حس عمومی که ایالات متحده تا حدودی قادر به مدیریت وقایع در منطقه بوده، خدشه‌دار شده است. کشورهایی که قبلاً به حمایت آمریکا بسیار اعتماد داشتند، اکنون کمتر به آن اعتماد دارند و شروع به جست‌وجوی ترتیبات جایگزین کرده‌اند. والت این تغییرات را ناشی از اثرات مستقیم یا غیرمستقیم وقایعی می‌داند که از ۷ اکتبر آغاز شده است.

سؤال مهمی که وجود دارد این است که وقتی گردوغبار جنگ غزه فروکش کند، تأثیر بلندمدت آن بر حقوق بین‌الملل و مصونیت از مجازات چه خواهد بود؟

حقوق بین‌الملل قبل از ۷ اکتبر از چندین جبهه مختلف مورد حمله قرار گرفته بود. جنگ در اوکراین و همچنین برخی از اقداماتی که ایالات متحده به عنوان بخشی از راهبرد جنگ علیه ترور انجام داده است، نمونه بارزی از آن است. بنابراین، از اینجا شروع نشد.

اما بخش زیادی به این بستگی دارد که آیا عاملان تا به حال پاسخگو بوده‌اند یا خیر. اگر مقامات اسرائیلی که ممکن است مسئول جنایات جنگی یا نسل‌کشی بوده باشند، در نهایت پاسخگو باشند، این امر این حس گسترده را تقویت می‌کند که برخی اقدامات هرگز نباید مجاز شمرده شده یا تحمل شوند.

اما باید نگران باشیم که اکثر عاملان احتمالاً بی‌گناه خواهند ماند. قدرت‌های بزرگ قرار نیست آنها را پاسخگو بدانند. همان‌طور که یک نفر پس از شروع جنگ غزه گفت، دفعه بعدی که ایالات متحده بخواهد مانند اوکراین در مورد یک نظم مبتنی بر قانون با ما صحبت کند، ما هیچ توجهی به آن نخواهیم کرد. دیگر همه چیز تمام شده است. اگر معتقدید که قوانین بین‌المللی و هنجارهای موجود تأثیرات محدودکننده‌ای بر رفتار دولت‌ها دارند، این یک تحول نگران‌کننده است. ما به سمت جهانی بسیار بی‌قانون‌تر حرکت خواهیم کرد.

من سؤال مشابهی در مورد سازمان ملل دارم. اختلال عملکرد سازمان ملل و قطبی شدن آن به قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ برمی‌گردد. اما نکته قابل‌توجه این است که یک کمیسیون تحقیق کلیدی سازمان ملل اکنون آنچه را که در غزه اتفاق می‌افتد، نسل‌کشی نامیده است، در حالی که اسرائیل و ایالات متحده اغلب سازمان ملل را به یهودستیزی متهم می‌کنند. آیا این اختلال عملکرد در چند سال گذشته تشدید شده است؟

هر نهاد بین‌المللی برای داشتن اعتبار و ظرفیت پاسخگو نگه داشتن اعضا، به حمایت قدرت‌های بزرگ وابسته است. اگر قدرت‌های بزرگ شروع به از دست دادن اعتماد به این نهاد کنند، احتمالاً اثربخشی آن کاهش می‌یابد. این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. از آنجا که سازمان ملل متحد مواضعی مغایر با دولت ایالات متحده یا واحدهای نزدیک به ایالات متحده مانند اسرائیل اتخاذ کرده است، شاهد کاهش حمایت آمریکا هست، حتی به طور فعال در برابر سازمان ملل مانع می‌شود. وقتی ایالات متحده تهدید به تحریم مقامات دیوان کیفری بین‌المللی می‌کند، این نشان می‌دهد که یک قدرت بزرگ به طور فعال در حال تضعیف یک محیط هنجاری است که از حمایت بخش عمده‌ای از جامعه بین‌المللی برخوردار است.

خطر اینجاست که یک دنیای بی‌قانون حتی از دنیایی که در آن نهادها به طور کامل کار نمی‌کنند، بدتر است. هر سیستمی از کشورها برای مدیریت این روابط به مجموعه‌ای از قوانین نیاز دارد. اگر نظم فعلی که شامل سازمان ملل متحد نیز می‌شود، به‌تدریج از هم بپاشد و تمام اثربخشی خود را از دست بدهد، چه چیزی جایگزین آن خواهد شد و چه کسی قرار است آن قوانین جدید را بنویسد؟

آنچه اکنون من را در مورد موضع آمریکا نگران می‌کند این است که ما کار را برای کشورهایی مانند چین و حتی روسیه آسان‌تر می‌کنیم تا استدلال کنند که نظم مبتنی بر قوانین آمریکا بی‌معنی است و باید به آنها در شکل‌دهی به محیط هنجاری آینده، صدای بلندتری داده شود. باز هم اینکه آیا این اتفاق می‌افتد یا نه، تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا مجرمان در اینجا در نهایت پاسخگو هستند و آیا سازمان ملل متحد قادر به اصلاح خود است یا خیر. اما در غیاب حمایت فعال آمریکا از این امر، فکر می‌کنم این امر نسبتاً بعید است.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود: آیا نظریه‌ای در روابط بین‌الملل وجود دارد که وضعیتی را که شما توصیف می‌کنید، توضیح دهد؟

چندین نظریه وجود دارد که به این امر کمک می‌کند. در این مرحله، نمی‌توان تأثیر افراد را رد کرد. یک رئیس‌جمهوری متفاوت در آمریکا، با توجه به تعهد قوی جو بایدن به اسرائیل، ممکن بود متفاوت از زمانی که رئیس‌جمهوری بود عمل کند. مطمئناً، یک رئیس‌جمهوری متفاوت از دونالد ترامپ، ممکن است اکنون متفاوت عمل کند. نظریه‌هایی که بر نقش افراد تمرکز دارند، در اینجا نقش دارند.

من همچنین فکر می‌کنم که «رئالیسم» در اینجا کاملاً واضح است. آنچه رئالیسم به شما می‌گوید این است، گذشته از اخلاق، کشورها هر کاری را که فکر می‌کنند برای ایمن‌تر کردن خود لازم است انجام خواهند داد. اگر واقعاً احساس ناامنی کنند یا فرصت‌های وسوسه‌انگیزی ببینند، کتاب قانون را پاره خواهند کرد. اگر به نحوه رفتار اسرائیل نگاه کنید، این نشانه‌ای از وقوع چنین چیزی است.

رئالیسم همچنین به ما یادآوری می‌کند که ایالات متحده هنوز در موقعیت بسیار مطلوبی قرار دارد. می‌تواند تصمیماتی بگیرد که حتی در درازمدت به زیانش تمام شود، اما در کوتاه‌مدت آسیبی نمی‌بیند. این کشور در خاورمیانه واقع نشده، بنابراین تا حد زیادی از بسیاری از پیامدهای مستقیم اقدامات خود مصون است. در چنین جهانی، سیاست‌هایی را خواهید دید که بیشتر خودخواهانه هستند و توسط سیاست‌های داخلی و ترجیحات یا انتخاب‌های رهبران فردی هدایت می‌شوند.

ما با صحبت در مورد چگونگی قطبی شدن جهان بر سر اسرائیل و بحران منطقه‌ای گسترده‌تر شروع کردیم. این قطبی شدن چگونه پیش می‌رود؟ محورها یا خطوطی که این قطبی شدن حول آنها ترسیم می‌شود، چیست؟

ابعاد مختلفی برای آن وجود دارد. مطمئناً شاهد شکافی بین جنوب جهان و آنچه ما به عنوان غرب تصور کرده‌ایم، هستیم. گروه موسوم به گروه لاهه در جنوب جهان موضع بسیار محکمی اتخاذ کرده است. آنها آن نوع اهرمی را که اروپا در تئوری دارد یا ایالات متحده قطعاً خواهد داشت، ندارند، اما این نشانه‌ای از یک تمایز است. هرچه این اختلافات بیشتر بروز کند، جلب همکاری سایر کشورها در مورد سایر مسائل دشوارتر می‌شود.

نوع دوم شکاف در بسیاری از کشورهای مختلف در حال وقوع است. ایتالیا را در نظر بگیرید؛ از یک سو، دولت این کشور طرح صلح اخیر دولت ترامپ را تأیید کرده است، اما از سوی دیگر، اتحادیه‌های کارگری ایتالیا کاملاً پرانرژی و قاطع بوده‌اند و تمایلی به هیچ گونه معامله‌ای با اسرائیل نداشته و از تلاش‌ها برای تسکین آنچه در غزه می‌گذرد، حمایت کرده‌اند. البته، ایالات متحده به طور فزاینده‌ای بر سر آنچه در آنجا می‌گذرد، دچار اختلاف نظر است. بنابراین، درگیری در غزه و وقایع پیرامون آن، نه تنها بخش‌های مختلف جهان، بلکه کشورهای مختلف را از نظر داخلی نیز دچار اختلاف کرده است.

> کشورهایی که قبلاً به حمایت آمریکا بسیار اعتماد داشتند، اکنون کمتر به آن اعتماد دارند و شروع به جست‌وجوی ترتیبات جایگزین کرده‌اند. والت این تغییرات را ناشی از اثرات مستقیم یا غیرمستقیم وقایعی می‌داند که از ۷ اکتبر آغاز شده است

یک نظرسنجی جدید از نیویورک تایمز و دانشگاه سینا، تغییر لرزه‌ای در حمایت آمریکا از اسرائیل را نشان داده است. برای اولین بار از زمانی که تایمز از سال ۱۹۹۸ شروع به پرسیدن از رأی‌دهندگان در مورد همدردی آنها کرده است، تعداد بیشتری از رأی‌دهندگان آمریکایی از فلسطینی‌ها به جای اسرائیلی‌ها جانبداری می‌کنند که این نیز یک تغییر بزرگ نسبت به دو سال پیش است. اکنون، اکثریت با ارسال کمک‌های اقتصادی و نظامی بیشتر به اسرائیل مخالف هستند و ۴۰ درصد می‌گویند که اسرائیل عمداً غیرنظامیان را در غزه می‌کشد. تصور می‌کنید این تغییر چه تأثیرات ژئوپلیتیکی خواهد داشت؟

دیدن اینکه چقدر اوضاع تغییر کرده، کاملاً قابل توجه است. این تغییر در حزب دموکرات عمیق‌تر است، اما در حزب جمهوری‌خواه و در میان سخنگویان سنتی راست‌گرا مانند تاکر کارلسون نیز در حال رخ دادن است. این تغییر هنوز سیاست آمریکا را تغییر نداده است، اما فکر می‌کنم به مرور زمان تغییر خواهد داد. اسرائیلی‌ها عمیقاً نگران این موضوع هستند، زیرا توانایی آنها برای فعالیت در خاورمیانه به همان شکلی که بوده، به حمایت آمریکا وابسته است.

شما در سال ۲۰۰۷ کتابی بسیار محبوب اما در عین حال بحث‌برانگیز با جان مرشایمر با عنوان «لابی اسرائیل و سیاست خارجی ایالات متحده» نوشتید. در آن زمان چه چیزی را دریافتید و از آن زمان چه چیزی تغییر کرده است؟

ما دو چیز را درست متوجه شدیم. اول اینکه لابی اسرائیل در ایالات متحده بسیار قدرتمند بود و مهم‌ترین علت رابطه ویژه بین این دو بود که در آن ایالات متحده حمایت بی‌قید و شرط ارائه می‌داد. این یک راز بزرگ نبود، اما مردم نمی‌خواستند آشکارا در مورد آن صحبت کنند. هر چیزی که از آن زمان در دولت‌های متوالی اتفاق افتاده است، با داستانی که ما گفتیم، مطابقت دارد. دوم اینکه، ما درست می‌گفتیم که اگر ایالات متحده، از دهه ۱۹۹۰، موضع بی‌طرفانه‌تری در منطقه و در قبال روند صلح اتخاذ می‌کرد، ایالات متحده، منطقه و در نهایت اسرائیل وضعیت بهتری می‌داشتند.

وضعیتی که اسرائیل امروز با آن مواجه است، اساساً بدتر از زمانی است که ما کتاب را نوشتیم، عمدتاً به این دلیل که ایالات متحده به جای سوق دادن اسرائیل به سمت توافق نهایی با مردم فلسطین، به بدترین غرایز آن تن داده است. ریشه اصلی وقایع ۷ اکتبر، درگیری حل نشده بین هفت و نیم میلیون فلسطینی است که خواهان کشوری برای خود هستند و اکثریت چند میلیونی اسرائیلی که نمی‌خواهند آنها کشوری داشته باشند.

چیزی که من را شگفت‌زده کرد، سرعت کاهش حمایت عمومی در ایالات متحده است. جمهوری‌خواهانی که با نگرش «اول آمریکا»ی ترامپ هدایت می‌شوند، فکر می‌کنند سیاست خارجی آمریکا باید در مورد ایالات متحده باشد. آنها دوست ندارند به ناتو، اسرائیل یا بویژه کشورهایی که پول و سلاح می‌گیرند و سپس هر کاری که می‌خواهند انجام می‌دهند، کمک مالی کنند. این موضوع پایگاه عمیق MAGA را آزرده خاطر می‌کند و روندی است که آنها در آینده شاهد آن خواهند بود.

تغییر نظر نسبت به اسرائیل و غزه در ایالات متحده را با حال و هوای اروپا مقایسه کنید. در بسیاری از شهرهای اروپایی اعتراضات بزرگی صورت گرفته است و فرانسه، بریتانیا و سایر کشورها اقدام بزرگی برای به رسمیت شناختن یک کشور فلسطینی انجام داده‌اند. این اقدامات چه تأثیر سیاسی خواهد داشت؟

از برخی جهات، واکنش اروپا پاسخی کاملاً قابل درک به فاجعه‌ای است که مردم در غزه شاهد آن بوده‌اند. جای تعجب نیست که ظلم قابل توجه و مداومی که بر فلسطینیان در غزه وارد شده است، باعث انزجار واقعی و تمایل به انجام کاری در مورد آن شده است. من همین را در مورد تظاهراتی که در دانشگاه‌های آمریکا برگزار شد، می‌گویم، که نه بازتاب یهودستیزی، بلکه بازتاب نگرانی و خشم عمیق از آنچه در منطقه اتفاق می‌افتد و حمایت آمریکا از این اتفاقات بود.

دولت‌های اروپایی سابقه طولانی در موضع‌گیری در مورد این موضوع دارند، اما در واقع حاضر به انجام کار زیادی نیستند. حتی چیزی به مهمی به رسمیت شناختن رسمی کشور فلسطین، هنوز یک اقدام کاملاً نمادین است که واقعیت موجود را به هیچ وجه تغییر نمی‌دهد. سؤال پیش رو این است که آیا کشورهای اروپایی شروع به استفاده از برخی از ابزارهایی که در اختیار دارند، خواهند کرد، چه محدود کردن تجارت با اسرائیل باشد و چه محدود کردن مشارکت اسرائیل در مسابقات فوتبال و مسابقه آواز یوروویژن. همه اینها راه‌هایی برای ابراز نارضایتی هستند که از برخی جهات نیز شروع به آسیب رساندن می‌کنند. هیچ کشور اروپایی هنوز حاضر به انجام این کار نشده است، اما اگر اوضاع ادامه یابد، این گزینه‌ای است که آنها باید در نظر بگیرند.

> ریشه اصلی وقایع ۷ اکتبر، درگیری حل نشده بین هفت و نیم میلیون فلسطینی است که خواهان کشوری برای خود هستند و اکثریت چند میلیونی اسرائیلی که نمی‌خواهند آنها کشوری داشته باشند

این من را به یاد آفریقای جنوبی و آپارتاید می‌اندازد. این اغلب با ورزش شروع می‌شود، به خصوص با جام جهانی که سال آینده در پیش است، و همچنین با مسابقات موسیقی مانند یوروویژن که اسرائیل در آن شرکت می‌کند. آیا مدل آفریقای جنوبی می‌تواند اسرائیل را به سمت تطبیق سیاست خود سوق دهد؟ یا نتانیاهو در مسیر ایجاد یک اسرائیل خودکفا و «سوپر اسپارتا» است که تا پایان در برابر فشارهای بین‌المللی مقاومت کند؟

نخست‌وزیر سابق اسرائیل، ایهود اولمرت، در سال ۲۰۰۷ هشدار داد که اگر راه‌حل دو کشوری وجود نداشته باشد، اسرائیل با وضعیتی مانند آفریقای جنوبی روبه‌رو خواهد شد. این مسیری است که ساکنان اسرائیل در نهایت از آن عبور کرده‌اند.

با گذشت زمان، این نوع فشارهای بین‌المللی تأثیر عظیمی خواهد داشت، اما اینکه آیا در نهایت رفتار اسرائیل را تغییر خواهد داد یا خیر، دشوار است. حس طرد جهانی حتی می‌تواند تصویر اسپارتایی مانندی را که نتانیاهو از آن صحبت می‌کرد، تشویق کند. اما همچنین اسرائیلی‌های مترقی‌تر را به ترک کشور تشویق می‌کند، همان‌طور که در مورد آفریقای جنوبی صادق بود. در نتیجه، جمعیتی که در اسرائیل باقی می‌مانند، به طور فزاینده‌ای راستگرا، افراطی و بی‌میل به سازش خواهند شد. نتیجه آن نیز اسرائیلی خواهد بود که رفاه کمتری دارد، از نظر نظامی کارآمدتر است و به عادی‌سازی روابط علاقه‌مند نیست.

> هر نهاد بین‌المللی برای داشتن اعتبار و ظرفیت پاسخگو نگه داشتن اعضا، به حمایت قدرت‌های بزرگ وابسته است. اگر قدرت‌های بزرگ شروع به از دست دادن اعتماد به این نهاد کنند، احتمالاً اثربخشی آن کاهش می‌یابد. این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد

آیا برای کشورهای پادشاهی عرب آسان‌تر است که تصمیمات سخت‌تری بگیرند، زیرا مجبور نیستند به همان شیوه به دموکراسی اهمیت دهند؟

برش

درست است. آنها آزاد هستند که این کار را انجام دهند، اما بیشتر توسط محیط‌های خارجی خود محدود می‌شوند. این به سؤال بزرگ‌تر شما برمی‌گردد: چگونه ۷ اکتبر بر ژئوپلیتیک منطقه و جهان گسترده‌تر تأثیر گذاشته است؟

بسیاری از کشورهای عربی که در تلاش برای نوسازی و قطع کامل وابستگی به نفت و گاز هستند، اکنون با محیطی تا حدودی نامطمئن‌تر روبه‌رو هستند. آنها حمایت و حفاظت ایالات متحده را می‌خواهند، اما به اندازه قبل به آن اطمینان ندارند. آنها نسبت به آنچه که در غزه و جاهای دیگر اتفاق می‌افتد، بسیار نگران هستند و بسیاری از آنها نگرانند که اسرائیل در تلاش است تا خود را به عنوان یک هژمون منطقه‌ای تثبیت کند. در دو سال گذشته، اسرائیل علیه شش کشور عربی مختلف اقدامات نظامی انجام داده است. آنها همچنین نگرانند که اگر اسرائیل تصمیم به انجام اقدامات بیشتری بگیرد، ایالات متحده جلوی آن را نگیرد. این امر باعث شده است که عربستان سعودی به پاکستان نزدیک شود و یک پیمان دفاعی امضا کند. همچنین باعث شده تا چندین کشور عربی به چین نزدیک‌تر شوند یا حداقل روابط خود را از سر بگیرند و مطمئناً باعث شده است که عربستان سعودی از طریق تنش‌زدایی با ایران، تنش‌ها را کاهش دهد.

اینها همه تعدیل‌هایی برای یک محیط امنیتی نامشخص در منطقه هستند. هیچ‌کدام از آنها نمی‌خواهند مستقیماً ایالات متحده را به چالش بکشند، اما می‌خواهند در محیطی که دیگر به حمایت ایالات متحده از خود اطمینان ندارند، شروع به ایجاد حفاظ کنند.

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

مذاکرات در شرم الشیخ

از دیروز عصر مذاکرات آتش‌بس در غزه با حضور مهم‌ترین شخصیت سیاسی حماس یعنی خلیل حیه و همچنین دو نماینده ترامپ یعنی داماد او کوشنر و ویتکاف آغاز شده است.

حضور کوشنر که در دوره اول ترامپ در پرونده مشهور به معامله قرن حضور پررنگی داشت مورد توجه رسانه‌های عبری و عربی قرار گرفته است.

همچنین هیأت‌هایی از اسرائیل، مصر و ترکیه هم در مصر هستند تا مذاکرات ادامه یابد.

براساس گزارش برخی رسانه‌ها، در حال حاضر تمرکز گفت‌وگوها بر تبادل اسراست. یعنی ساده‌ترین بخش مذاکرات در مقابل بندها و مسائل دیگری که بخش‌های زیادی از آنها توسط حماس رد شده است، مانند آینده اداره نوار غزه و سلاح حماس.

طاهر النونو از رهبران حماس که در مصر حضور دارد گفته است: «مذاکرات تاکنون بر پایان جنگ، عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از نوار غزه و آزادی اسرا متمرکز بوده است. ما مواضع مثبتی ابراز کردیم.»

پیش‌بینی مذاکرات و آینده آن به‌واسطه دخیل بودن مؤلفه‌ها و تصمیمات مختلف و زیاد، کار ساده‌ای نیست. اما می‌توان گفت این‌بار اراده سیاسی در جبهه اسرائیلی_آمریکایی برای آتش‌بس دیده می‌شود. البته باید دقت داشت که هدف از چنین اراده‌ای چیست. ممکن است هدف آنها گرفتن اسرا و فشار عربی به حماس برای واگذاری سلاح باشد، اما چیزی که می‌توان گفت آن است که اکنون این اراده وجود دارد که نتانیاهو قصد دارد این هدف را پای میز مذاکره محقق کند نه تداوم جنگ در شهر غزه.

مسأله دیگری که باید به آن توجه کرد، فضاسازی‌های رسانه‌ای است. دوروز پیش خبری مبنی بر پذیرش واگذاری سلاح از سوی حماس پخش شد و همچنین دیروز هم وال استریت ژورنال مدعی درخواست حماس برای تحویل گرفتن پیکر شهیدان یحیی و محمد سنوار شد که هر دو از سوی حماس قویاً تکذیب شد.

این فضاسازی رسانه‌ای و حتی مطرح شدن ادعاهایی از سوی نتانیاهو و ترامپ و نسبت دادن آنها به حماس دور از انتظار نیست و باید در بازنشر آنها دقت کرد.

مسأله مهم دیگر حول مذاکرات آتش بس، که احتمالاً حول مراحل دوم و سوم آتش‌بس و در هفته‌های بعد مورد بحث خواهد بود، چیستی دولت آینده غزه و میزان تحقق بندهای طرح ترامپ در این موضوع است.

طرح ترامپ ایجاد یک دولت فلسطینی در غزه را پذیرفته است. این در حالی است که پیش‌تر اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها از ایده دولت عربی یا بین‌المللی حمایت می‌کردند. اما از آنجایی که شکل‌گیری دولت صرف فلسطینی، به معنی ماندگاری تسلط و قدرت نظامی حماس در غزه است در طرح ترامپ یک شورای صلح بین‌المللی با هدف نظارت بر این دولت فلسطینی مطرح شده است که البته صراحتاً از سوی حماس رد شد.

باید منتظر ماند و دید روند گفت‌وگوها و مذاکرات به کجا خواهد رسید. مواضع و اصول حماس و گروه‌های دیگر مقاومت که حتی به دعوت حماس به مصر هم آمده‌اند، مشخص و واضح است. باید دید آیا اراده سیاسی آن سوی میدان در نهایت منجر به توقف جنگ خواهد شد؟

آگهی تجدید مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)
نوبت اول

شهرداری اندیشه در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۳/۵/۱۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ موضوع ابلاغ بند ۸ صورتجلسه شماره ۲۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ شورای اسلامی شهر اندیشه، اجرای عملیات زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران فعال واجد شرایط (حداقل دارای رتبه ۴ ابنیه و ساختمان و ۵ تأسیسات و مهندس مشاور همکار دارای حداقل پایه (۳) گروه شهرسازی و معماری (ساختمان‌های اداری، تجاری و...) از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: اجرای پروژه تکمیل ۲ باب مدرسه نیمه گاره به روش EPC واقع در فاز ۵ شهر اندیشه با اعتبار مصوب ۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یک هزار و یکصد میلیارد ریال) با احتساب ۱۰٪ مالیات بر ارزش افزوده

۲-سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنجاه و پنج میلیارد ریال) است که می‌بایست به یکی از صورت‌های مشروحه ذیل به شهرداری تسلیم گردد.

الف- رسید بانکی واریز وجه مزبور به‌حساب جاری سیبا به‌شماره ۰۱۱۳۹۹۴۴۵۶۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه بلوار آزادی به‌نام شهرداری اندیشه

ب- ضمانت‌نامه بانکی به نفع شهرداری اندیشه

تضمین فوق می‌بایست در زمان بازگشایی دارای اعتبار بوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

توجه: به پیشنهادهایی که تضمین شرکت در مناقصه آنها به غیر از موارد فوق باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳- مهلت و محل دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ انتشار آگهی تا پایان ساعت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ و محل دریافت آن صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir می‌باشد.

۴- مهلت و محل تسلیم پیشنهادات: متقاضیان می‌بایست تا پایان ساعت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ اصل ضمانت‌نامه را به واحد دبیرخانه شهرداری تحویل و شماره ثبت پاکت الف دریافت و سپس تصویر سپرده شرکت در مناقصه را در سامانه تدارکات الکترونیکی www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.

تذکر: صرفا اسناد پاکت‌های پیشنهاد(ب) و (ج) دارای امضای الکترونیکی مورد پذیرش است. در جلسه بازگشایی پاکت‌های (ب) و (ج)، اسناد فیزیکی(کاغذی) و اسناد فاقد امضای الکترونیکی به هیچ وجه مورد پذیرش نیست.

۵- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان جهت دریافت اسناد می‌بایست از طریق سامانه ستاد نسبت به خرید اسناد شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

۶-زمان بازگشایی پیشنهادها: پایان ساعت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ می‌باشد.

۷- شهرداری اندیشه در رد یا قبول یک یا تمام پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار می‌باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد اسکن شود

● تاریخ چاپ اول: ۱۴۰۴/۷/۱۷ ● تاریخ چاپ دوم: ۱۴۰۴/۷/۲۴

بهروز کاویانی - شهردار شهر اندیشه